خبر

مردم آگاهی خود را نسبت به حقوقشان افزایش دهند

رئیس کل دادگستری استان گلستان با اشاره به منشور حقوق شهروندی گفت: با توجه به پیچیده بودن زندگی، مردم آگاهی خود را نسبت به حقوقشان افزایش دهند.

به گزارش ایرنا هادی هاشمیان افزود: با اجرای طرح آگاهی بخشی حقوقی درواقع می خواهیم مردم نیز بیشتر با حقوق خود آشنا شوند، زیرا معتقدیم اگر افراد با حقوق شان آشنا باشند نه به دیگران اجازه می دهند حق شان را تضییع کنند و نه خودشان حق دیگران را نادیده می گیرند.وی تصریح کرد: مردم باید آگاهی های حقوقی خود را در اموری مانند عقد قرارداد، پیش فروش و پیش خرید مسکن حتما افزایش دهند و حتما با وکلا و کارشناسان مشورت کنند تا هم خودشان گرفتار عواقب ناآگاهی نشوند و هم برای دستگاه قضایی تولید پرونده نکنند.وی با اشاره به این که با اجرای طرح آگاهی بخشی حقوقی، از پرونده های ورودی به محاکم استان کاسته می شود، یادآور شد: دادگستری استان نیز به منظور آگاهی بیشتر مردم از قوانین و مقرارت، برنامه تلویزیونی سیمای قانون را از شهریور امسال به صورت زنده پخش می کند که این خودبخشی از حقوق شهروندی است.هاشمیان در ادامه گفت: حقوق شهروندی در واقع یک قانون است و تشکیلات قضایی در جهت تقویت قانون، کارها و امورات خود را انجام می دهد و اگر قرار است تکلیفی ابلاغ شود، آن هم باید براساس و برابر قانون باشد.

رئیس کل دادگستری استان گلستان خاطرنشان کرد: یکی از وظایف قوه قضائیه در رعایت قانون حقوق شهروندی بحث بازداشتگاه ها و نحوه رسیدگی در دادسراها می باشد که به خوبی در حال انجام می باشد و از قدیم هم این روال بوده و این روند همچنان ادامه دارد.

وی اظهار داشت: در دادگستری کل استان نیز دبیرخانه حقوق شهروندی ایجاد شده و مردم با مراجعه به آن از حقوق خود و دیگران آگاهی می یابند و این در روند رسیدگی به پرونده ها تاثیر بسزائی دارد.

ثبت گویش استرآبادی در فهرست میراث فرهنگی ناملموس کشور

مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان از ثبت گویش استرآبادی در فهرست میراث فرهنگی ناملموس کشور خبر داد.ابراهیم کریمی گفت: گویش استرابادی (گرگانی) گویشی است که در شهر گرگان و تعدادی از روستاهای اطراف به آن سخن گفته می شود.وی اظهار داشت: پس از بررسی سیر تاریخی زبان های ایرانی، می توان گفت گونه گویش استرآبادی بازمانده ای از زبان ایرانی غربی یعنی فارسی میانه است که هنوز ردپایی از پارتی دری در این گویش مشاهده می شود و با آن ارتباط تنگاتنگی دارد.وی عنوان کرد: گویش استرآبادی به ویژه در سطوح آوایی و واژگانی تفاوت های قابل ملاحظه ای با زبان فارسی دارد که می توان بر اساس معیارهای جهانی به آن گویش استرآبادی اطلاق کرد.کریمی ادامه داد: واژگان و مفاهیمی که در گویش استرآبادی وجود دارند علاوه بر مفاهیم مشترک با زبان های دیگر، شامل مفاهیمی هستند که به لحاظ نوع زندگی کشاورزی، باغداری و دامداری دارای تنوع است.مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان افزود: با توجه به اهمیت حفظ و حراست از این گویش اصیل، اداره کل میراث فرهنگی استان گلستان با تشکیل جلسات کارشناسی و دعوت از پژوهشگران این حوزه اقدام به تهیه پرونده ثبت اثر کرد که در ششم دی ماه سال جاری در جلسه شورای عالی ثبت و تعیین حریم کشور که با دستور کار پرونده های میراث فرهنگی ناملموس برگزار شد، گویش استرآبادی به عنوان یک گویش منحصر به فرد با گستره فرهنگی شهر استرآباد(گرگان) در فهرست آثار فرهنگی ناملموس کشور به ثبت رسید.

مشاور زنان وزیر کشور:

افزایش نفوذ فرهنگ غرب بین دختران ایرانی نگران کننده است

مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده گفت: کم توجهی به ظرافت های خانواده توسط برخی والدین اقبال و توجه دختران و زنان ایرانی به فرهنگ غربی را افزایش داده است که جای نگرانی جدی دارد.

به گزارش ایرنا فهمیه فرهمندپور در دیدار با آیت الله نورمفیدی نماینده ولی فقیه در استان گلستان و امام جمعه گرگان اظهار کرد: اگر آسیب های این رویگردانی فرهنگی توسط روحانیت و ائمه جمعه تبیین و تشریح شود، امیدواری به کاهش آن تا حد زیادی بیشتر خواهد شد.مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده اظهار کرد: مشکلاتی مانند فرار دختران از منزل و آسیب های مشابه آن ناشی از کمبود عاطفه میان اعضای خانواده و توجه نکردن به خواست نوجوانان و جوانان است. وی بیان کرد: یکی از راه های جلب توجه مردم به بازگرداندن گرما و صمیمیت به کانون خانواده ها، کمک موثر روحانیون و علما و بیان مشکلات در تریبون ها و منابر است. وی ادامه داد: مشکل اصلی به وجود آمده در جامعه که منجر به متزلزل شدن بنیان خانواده ها شده است، کم توجهی به اصلاح روابط خانوادگی است. مشاور وزیر کشور در امور زنان و خانواده افزود: روحانیت همچنان قشر مورد وثوق و مورد تاکید و توجه مردم است و بیان آسیب ها توسط آنان همراه با راهکارهای موثر می تواند منجر به کاهش آسیب های اجتماعی رو به ازدیاد در کشور شود. فرهمندپور ادامه داد: استمداد از علما و روحانیت برای کمک به حل این مشکلات نافی مسوولیت دولت در برنامه ریزی و حل نارسایی ها نیست و اگر این تلاش ها در کنار یکدیگر و با هدف واحد ناشی از یک برنامه اصولی همراه باشد می تواند نتایج دلخواه نظام مقدس جمهوری اسلامی در کاهش آسیب های اجتماعی را به همراه داشته باشد.

اخطار استاندار به مدیران گلستان؛

کشاورزی، صنعت و گردشگری در اولویت است

استاندار گلستان خطاب به مدیران دستگاه های اجرایی استان گفت که جذب سرمایه گذار داخلی و خارجی در این خطه شمالی باید با اولویت سه محور کشاورزی، صنعت و گردشگری مد باشد و هر مانعی در این مسیر تا پایان هفته جاری باید مکتوب و گزارش شود.

به گزارش ایرنا حسن صادقلو در نشست هماهنگی پنجره واحد سرمایه گذاری استان گلستان اظهار داشت: ضرورت دارد تلاش مسئولان دستگاه ها در شتاب بخشیدن به این مهم که نقش به سزایی در رونق و توسعه استان خواهد داشت، بیش از گذشته پررنگ شود.

وی با بیان اینکه گلستان از فرصت های بکر برای جذب سرمایه گذار در بخش های کشاورزی، صنعت و گردشگری برخوردار است، گفت: اکنون تدوین و عمل به نقشه راه سرمایه گذاری در استان برای استفاده بهینه از این فرصت ها جزو ضروریات محسوب می شود.

استاندار افزود: فعال کردن دوباره طرح پنجره واحد سرمایه گذاری در گلستان با در نظر گرفتن آسان سازی ارایه تسهیلات به سرمایه گذار و همراه کردن دستگاه های مرتبط و نظارت دقیق در عملیاتی شدن خدمات می تواند جذب سرمایه گذار و ثمر بخشی آن را دوچندان کند.

صادقلو به مسئولان دستگاه های عضو ستاد سرمایه گذاری استان تا آخر هفته جاری فرصت داد که موانع قانونی در جذب سرمایه گذار و عملیاتی شدن طرح ها در استان توسط هر دستگاه به دقت بررسی و راهکار آسان سازی آن را به ستاد ارایه دهند.مدیرکل امور اقتصادی و دارایی و دبیر کمیته سرمایه گذاری گلستان نیز با اشاره به اهمیت جذب سرمایه گذار برای رشد اقتصادی استان گفت: تشکیل و فعالیت پنجره واحد سرمایه گذاری در منطقه ضروری است زیرا علاوه بر آسان سازی ارایه خدمات به سرمایه گذار، در شتاب دادن دستگاه به فرایند سرمایه گذاری کمک خواهد کرد.داوود طبرسا به طرح های آماده جذب سرمایه گذاری در گلستان اشاره کرد و افزود: اکنون ۲۹ طرح تحول زا در بخش های مختلف برای جذب سرمایه گذار تهیه و به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است.وی گفت: این تعداد طرح به سازمان مرکزی سرمایه گذاری نیز ارسال شده تا در جذب صاحبان سرمایه برای استان تسهیل شود.وی همچنین از تهیه طرحی در قالب تور مجازی در گلستان برای معرفی به سرمایه گذاران خبر داد و گفت: تاکنون در قالب این طرح ۱۰۰ نقطه گردشگری، کشاورزی و صنعتی استان شناسایی شده است.

وی از مسئولان دستگاه های عضو ستاد سرمایه گذاری استان درخواست کرد: در تکمیل طرح تور مجازی استان برای جذب سرمایه گذار همکاری بیشتری داشته باشند.

دبیر ستاد سرمایه گذاری گلستان به تهیه کتاب فرصت ها و ظرفیت های استان با ۴۷۵ صفحه اشاره کرد و گفت: تمام اطلاعات فرصت ها و ظرفیت های سرمایه گذاری گلستان تهیه و به زیر چاپ رفته است.در این نشست اعضای ستاد سرمایه گذاری گلستان در خصوص توجه به تبلیغات در جذب سرمایه گذار، کنار گذاشتن سلیقه ها، استفاده از ظرفیت مشاوران سایر استان ها، استفاده از ظرفیت دستگاه قضایی، حذف تشریفات زاید اداری و کوتاه کردن زمان پاسخگویی به مکاتبات و بروز رسانی مطالب طرح ها برای جذب سرمایه گذاران راهکارهایی ارایه دادند.نشست های پنجره واحد سرمایه گذاری در کشور از سال ۸۸ با هدف کمک به جذب سرمایه گذار در استان ها فعال شده است.

انتقاد نماینده ولی فقیه از صداو سیما

نماینده ولی فقیه در گلستان و امام جمعه گرگان گفت: در حالیکه برخی شبکه های خارجی با انواع و اقسام برنامه ها به دنبال جذب خانواده های ایرانی هستند، استفاده تلویزیون کشورمان از کارشناسانی که تمام تفکرشان محبوس کردن زنان در خانه و محدود کردن آنها در جامعه است، باعث رشد مخاطبان کانال های ماهواره ای می شود. به گزارش ایرنا آیت الله سیدکاظم نورمفیدی در دیدار با مشاور امور زنان و خانواده وزیر کشور و تعدادی از زنان فرهیخته استان گلستان افزود: گاهی برنامه هایی از تلویزیون کشورمان پخش می شود که نه تنها جاذبه ندارد بلکه با دافعه زیاد خانواده های ایرانی را به سمت و سوی شبکه های ماهواره ای سوق می دهد.عضو مجلس خبرگان رهبری با نام بردن از برخی شبکه های ماهواره ای فارسی زبان اظهار داشت: اینها فقط با هدف تخریب جایگاه خانواده راه اندازی شده اند و متاسفانه آسیب های فراوانی را هم به جامعه ما تحمیل کرده است. آیت الله نورمفیدی افزود: در مقابل تلویزیون ایران از کارشناسانی برای بیان مسایل دینی استفاده می کند که نگاهی جز محدود کردن زنان در جامعه نداشته و به دنبال کم کردن حضور این قشر موثر در اجتماع هستند.

امام جمعه گرگان نتیجه گیری کرد: در نتیجه اینچنین رویکردی گرایش به ماهواره در جامعه ایرانی نه تنها کم نمی شود، بلکه زیاد هم می شود.آیت الله نورمفیدی همچنین گفت: بیان ساده و عامه فهم مسایل توسط روحانیون و نخبگان نقش زیادی در تبیین ارزش های اسلامی و انتقال آن به مردم و بخصوص نسل جوان دارد که مصداق بارز آن امام خمینی (ره) است.

امام جمعه گرگان بیان کرد: ایشان با وجود آن که از دانش بسیار زیاد و سواد فوق العاده ای برخوردار بودند اما در زمان سخنرانی های عمومی مسایل را با زبانی بسیار ساده مطرح می کردند تا همه مردم بتوانند از آن استفاده کنند.

آیت الله نورمفیدی ابراز کرد: در زمان حاضر شبکه های ماهواره ای زیادی با زبان فارسی متزلزل کردن بنیان خانواده ها را هدف قرار داده اند و از همه ابزار و ظرفیت خود برای سست کردن کانون خانواده های ایرانی و ایجاد فاصله میان آن ها استفاده می کنند. نماینده ولی فقیه در استان گلستان گفت: یکی از ویژگی های خانواده های ایرانی گرمی ناشی از حضور اعضا در کنار یکدیگر است اما ورود بی ضابطه و پرادمنه موبایل ها و شبکه های اجتماعی نه تنها این کانون گرم را به سردی نزدیک کرده بلکه خطر ورود جوانان به مشکلات فراوان ناشی از آن را هم افزایش داده است. آیت الله نورمفیدی همچنین گفت: دانشگاه ها برای تبیین دقیق آموزه های اسلامی، بیان ساده مسایل دینی و جلوگیری از گسترش فرهنگ غرب بیش از پیش نیازمند اندیشمندانی چون شهید مطهری است.

امام جمعه گرگان افزود: بعضا برای راهنمایی جوانان و بیان مسایل دینی در دانشگاه ها افرادی سکان تدریس را در دست میگیرند که اندیشه های آنان با دستورات بیان شده دین و راهنمایی های پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) فاصله زیادی دارد. عضو مجلس خبرگان رهبری اضافه کرد: دانشگاه ها به شخصیت های نقد پذیر و اندیشمندی همچون شهید مطهری و امثال او احتیاج دارند تا جوانان را از گرداب های خطر نجات دهند.

کلنگ تله کابین و شهربازی گرگان اسفند ماه به زمین می خورد

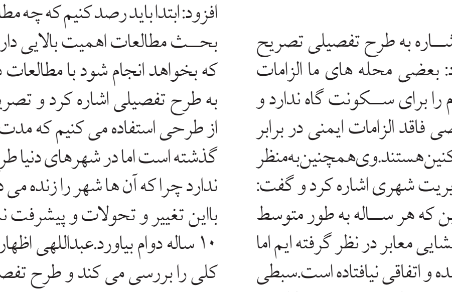

به گزارش مهر، جلسه یکصدوبیست و نهم کمیسیون توسعه، عمران، حمل و نقل شهری، معماری و شهرسازی شورای شهر گرگان شامگاه دوشنبه با دستورکار سیاست های بودجه عمرانی سال۹۶ برگزار شد.برنامه ریزی توسعه شهری، هدایت و دفع آب های سطحی، حمل و نقل و بهبود امور و مرور شهری، ایجاد تاسیسات حفاظتی شهری، بهبود محیط شهری، ایجاد اماکن فرهنگی، ورزشی و توریستی، ایجاد تاسیسات ساختمان های اداری و ایجاد تاسیسات اقتصادی و درآمد زا به عنوان هشت برنامه در حوزه عمران مطرح شده است.رئیس کمسیون توسعه و عمران و حمل و نقل شهری و معماری و شهرسازی گفت: در جلسه گذشته هشت فصل در حوزه عمرانی مشخص شد که در این جلسه به برنامه ریزی توسعه شهری و مطالعات می پردازیم.وی گفت: بودجه شهرداری ها باید در پایان دی ماه به شورای شهر فرستاده شود و اعضاء شورای شهر نیز باید در اسفندماه کار تصویب بودجه را انجام دهد.سبطی با بیان اینکه نگاه شورای شهر گرگان در خصوص بودجه عینا برخواسته از قانون است، افزود: ۴۰ درصد بودجه شهرداری به مسایل عمرانی با اولویت پروژه های نیمه تمام باید در نظر گرفته شود.وی ادامه داد: ۱۰ درصد بودجه شهرداری باید برای بهداشت شهری در نظر گرفته شود که این اتفاق تا به حال نیافتاده است و ۵ درصد بودجه نیز باید برای فرهنگ شهر در نظر گرفته شود که این مورد هم مد نظر نبوده است. رئیس کمسیون توسعه و عمران و حمل و نقل شهری و معماری و شهرسازی گفت: سه درصد بودجه شهرداری طبق قانون باید به ورزش اختصاص داده شود که با توجه به مساعد بودن نظر همه اعضاء این اتفاق می افتد.سبطی با اشاره به طرح تفصیلی تصریح کرد: بعضی محله های ما الزامات لازم را برای سکونت گاه ندارد و بعضی فاقد الزامات ایمنی در برابر ساکنین هستند.وی همچنین بهمنظور مدیریت شهری اشاره کرد و گفت: با این که هر ساله به طور متوسط ۱۰ میلیارد تومان برای بازگشایی معابر در نظر گرفته ایم اما ردیف این اعتبارجابه جا شده و اتفاقی نیافتاده است.سبطی به نماد سازی در شهر تاکید کرد و اظهار کرد: انجام مطالعات در راستای نمادسازی که به عنوان هویت شهر مطرح است دارای اهمیت است اما شهر گرگان هیچ حرکتی در این راستا انجام نداده است تا خاطره جمعی را در ذهن شهروندان و گردشگران ایجاد کند.یکی از اعضاء شورای شهر گرگان در ادامه جلسه گفت: باید بودجه سه ساله گذشته این دوره شورای شهرگرگان را بررسی کنیم تا بتوانیم بودجه امسال را هم مصوب کنیم.فائزه عبداللهی در خصوص بحث مطالعات افزود: ابتدا باید رصد کنیم که چه مطالعاتی اتفاق افتاده است. بحث مطالعات اهمیت بالایی دارد و در دنیا هر پروژه ای که بخواهد انجام شود با مطالعات دقیق اتفاق می افتد.وی به طرح تفصیلی اشاره کرد و تصریح کرد: در حال حاضر از طرحی استفاده می کنیم که مدت زمان آن از ۱۰ سال هم گذشته است اما در شهرهای دنیا طرح های ۱۰ ساله معنایی ندارد چرا که آن ها شهر را زنده می دانند و یک موجود زنده بااین تغییر و تحولات و پیشرفت نمی تواند در یک نسخه ۱۰ ساله دوام بیاورد.عبداللهی اظهار کرد: طرح جامع موارد کلی را بررسی می کند و طرح تفصیلی که موارد جزیی تر پرداخته می شود مورد توجه ما نیست.وی ادامه داد: مطالعات شهرسازی همه ساله در دستور کار ما بوده است اما این که چقدر توانسته ایم از آن بهره بگیریم دارای اهمیت است.

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

شماره ۱۳۹۵،۴۴۰۷

موضوع: انجام خدمات اداره گاز شهرستان مراوه تپه
زمان دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه بصورت همزمان: حداکثر ظرف ۷ روز پس از اتمام مهلت آگهی نوبت دوم
محل دریافت(تحویل) اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه: گرگان ـ میدان بسیج ـ سایت اداری ـ شرکت گاز استان گلستان
مهلت تحویل اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه به دبیرخانه مرکزی: ظرف مدت دو هفته از آخرین مهلت تحویل اسناد مناقصه
و مهلت دریافت اسناد مناقصه از امور قراردادها بمدت ۳ روز از تاریخ دعوتنامه شرکت در مناقصه
تضمین های معتبر شرکت در مناقصه: بصورت یکی از تضمینهای
الف: ضمانت نامه بانکی یا ضمانتنامه های صادره از موسسات اعتباری غیر بانکی با مجوز بانک مرکزی ب: ضمانتنامه صادره از موسسات بیمه گر دارای مجوز فعالیت و صدور ضمانت نامه از سوی بیمه مرکزی ج: انواع اوراق مشارکت
د: وجه نقد ه: ضمانتنامه صادره از صندوقهای ضمانت دولتی

زمان و مکان کمیسیون مناقصات: ساعت ۱۰ الی ۱۱/۳۰ روز سه شنبه ۹۵/۱۱/۲۶ شرکت گاز استان گلستان
نحوه دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه: مناقصه گران می بایست پس از واریز هزینه اوراق (مبلغ ۴۰۰،۰۰۰ ریال به شماره حساب سیبا ۲۱۷۴۶۳۴۶۰۲۰۰۱ بانک ملی) بصورت حضوری مراجعه و پس از تحویل رسید نسبت به دریافت اسناد از امور قراردادها اقدام نمایند.
مبلغ تقریبی برآورد: ۶/۶۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۳۳۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال
شرکت کنندگان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس اینترنتی www.shana-ir و یا پایگاه اطلاع رسانی الکترونیکی شرکت گاز استان گلستان به آدرس www.nigc-golestan.ir (بخش آگهی ها ـ مناقصه های پیمان) مراجعه و یا با شماره تلفن ۳۲۴۸۰۳۶۵ـ۰۱۷ واحد امور قراردادها تماس حاصل فرمایند.

روابط عمومی شرکت گاز استان گلستان

آگهی‌های ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۱۰۵۱۹۳۹ مورخ ۹۵/۱۰/۱۶ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه شماره ۱۳۹۵۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۵۸۵ متقاضی سیدجلیل حسینی محمدآبادی فرزند زین العابدین شناسنامه ۳۳۷۱ کدملی ۲۲۳۹۵۱۳۷۲۱ صادره از گرگان ۵۱ سهم از ۶۰ سهم ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی که مابقی آن وقف است بمساحت ۱۸۱۹۰ مترمربع واقع در اراضی امیرآباد از پلاک فرعی از ۸۳ ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان لذا بمنظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت بفاصله ۱۵ روز آگهی می شود از این رو اشخاصیکه نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض بمرجع ثبتی دادخواست خود را بمرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض اداره ثبت طبق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۵/۱۰/۲۰
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۵/۱۱/۶
محمد اسماعیل پور ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک گرگان ـ
۶۶۸۳ م الف

خبر

کمک ۲۸ میلیارد ریالی گلستانی ها به بهزیستی

مدیرکل بهزیستی گلستان از مشارکت ۲۸ میلیارد و ۴۷۱ میلیون و ۵۹۷ هزار ریالی مراکز دولتی و غیردولتی(خیرین) این استان برای کمک به بهزیستی استان در ۹ ماه گذشته خبر داد.ابراهیم غفاری درحاشیه همایش تجلیل از خیرین بهزیستی استان گلستان که در گنبدکاووس برگزار شد گفت: از این میزان کمک های نقدی و غیرنقدی به بهزیستی مبلغ ۱۵ میلیارد و ۸۹۱ میلیون و ۱۷۴ هزار و ۵۵۴ ریال آن توسط مراکز غیردولتی (خیرین) و بقیه توسط مراکز دولتی بوده است.

وی با قدردانی از کمک های خیرین به بهزیستی گلستان در ۹ ماه گذشته، افزود: از مجموع کمک های خیرین به این نهاد، مبلغ سه میلیارد و ۵۰۲ میلیون و ۴۳۴ هزار ریال توسط خیرین شهرستان گنبدکاووس بوده است.

غفاری همچنین از احداث یک واحد ‹شیر خوارگاه› با ظرفیت ۲۰ تا ۳۰ نوزاد در مرکز گلستان خبر داد و اضافه کرد: زمین احداث این طرح توسط خیرین گرگانی تامین شده و تا پایان امسال عملیات اجرایی آن آغاز می شود.

وی از اجرای یک طرح اقتصادی با مشارکت خیرین در گنبدکاووس خبر داد و تصریح کرد: مطالعات مقدماتی این طرح هم اکنون در حال انجام است و پس نهایی شدن مطالعات و کسب مجوزهای لازم، عملیات اجرایی آن آغاز می شود.هم اکنون ۲۰۰ هزار نفر از جمعیت یک میلیون و ۹۰۰ هزار نفری گلستان که ۱۰۵ هزار نفر آن معلولان و خانواده های آنان هستند و بقیه شامل زنان سرپرست خانوار، کودکان بی سرپرست و سالمندان، زیرپوشش بهزیستی این استان قرار دارند.

مدیر مسکن راه و شهرسازی گلستان:

۹۴ خانوار معلول گلستانی خانه دار می‌شوند

مدیر مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی گلستان از تامین زمین و مسکن برای ۹۴ خانوار معلول در استان خبر داد.

محمود تیموری با اشاره به انعقاد تفاهم نامه تامین مسکن خانوارهای معلولین واجد شرایط و تحت پوشش سازمان بهزیستی در استان، اظهار کرد: زمین و واحدهای مسکونی برای ۹۴ خانوار مذکور در استان تامین شده و به اقدام و شروع عملیات اجرایی برای انجام سایر اقدامات از سوی دستگاهها و نهادهای متولی نیاز دارد.

وی افزود: زمین و واحد مسکونی تامین شده شامل تامین زمین برای ۳۷ خانوار و تامین واحد مسکونی برای ۵۷ خانوار است.

تیموری به تشریح اقدامات انجام شده برای تامین زمین این اقشار پرداخت و افزود: برای ۲۷ خانوار از ۳۷ خانوار متعهد شده در تفاهم نامه، از اسفند ماه سال گذشته در شهرستان‌های گرگان، آق قلا، آزادشهر، کردکوی و رامیان، اراضی به مساحت ۳۱۴۵.۲۶ مترمربع، تهیه و طی قراردادی به انجمن خیرین مسکن ساز استان تحویل و واگذار شده است.وی با اشاره به اینکه راه و شهرسازی گلستان در راستای وظایف قانونی و نوع دوستانه خود، تکالیف محوله در این تفاهم نامه را در شهرستان‌های یاد شده تا این مرحله به اجرا درآورده، خاطرنشان کرد: در شهرستان علی آبادکتول برای تامین زمین پنج خانوار از مددجویان هم پیگیری‌های لازم انجام شده و اداره کل راه و شهرسازی برای خرید اراضی مورد نیاز این مسئله در جلسات متعدد کمیته راهبری استان هم اعلام آمادگی کرده ایم تا کنون زمینی که دارای سند مالکیت و فاقد مشکل برای مددجویان باشد، یافت نشده و کمیته مذکور نیز موردی معرفی نکرده است.مدیر مسکن و ساختمان اداره کل راه و شهرسازی گلستان با بیان اینکه تهیه زمین برای این عزیزان در شهرستان علی آباد در دست پیگیری است، افزود: در شهرستان رامیان و گالیکش، واگذاری زمین با معارضاتی روبرو بوده که در دست پیگیری برای آزادسازی است.

تیموری ادامه داد: برای دو خانوار تحت الشعاع تفاهم‌نامه مذکور در شهرستان بندرگز هم، تعهد زمین به تامین واحد مسکونی تبدیل شده که یکی از آنها خریداری شده و دیگری در حال خریداری است.وی تصریح کرد: اداره کل راه و شهرسازی گلستان طی مدت زمان کوتاهی پس از عقد تفاهم نامه، اقدامات لازم از جمله تامین و واگذاری زمین و معرفی واحدهای مسکونی از محل پروژه‌های مسکن مهر در حال تکمیل را معرفی کرده است.تیموری درباره واحدهای در حال تکمیل مسکن مهر، گفت: از آنجایی که سهم آورده متقاضیان نقش مهمی در تکمیل سریع‌تر پروژه‌های معرفی شده دارد، تعلل بسیار زیاد متقاضیان برای تکمیل سهم آورده واحد مسکونی مورد نظر، اداره کل راه و شهرسازی را با چالش‌های متعددی روبرو کرده است.

گلشن مهر
روزنامه
۰۱۷۳۳۲۲۵۱۳۱۶
۰۱۷۳۳۲۲۴۱۱۹۵

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

چرا نیما؟

یادداشتی از حسین عبدالوند

۱ ـ مرحوم اخوان می گفت نیما نظراتی در باب شعر داده است و چند پیشنهاد هم برای تایید نظراتش سروده است..«نقل از حافظه» نیما را همیشه در دو نگره بررسی کرده اند..و خیلی ها سعی داشته اند نیمای شاعر را مماس با نیمای نظریه پرداز تحلیل کنند..به زعم من ،نیما در چند شعر که در دو دهه ی آخر عمر خود داشت می تواند با برخی نظراتش همخوانی داشته باشد یا به نوعی اجرای مباحثش باشد،اما در کل ،نیمای نظریه پرداز همیشه پیشروتر از نیمای شاعر بوده است.

.یک ضعف عمده در اینکه بشود از خلال نوشته های نیما ،مانیفستی بیرون کشید ،هست..و دلیل اصلی آن هم این است که _حرف های همسایه،ارزش احساسات،یادداشت های روزانه و...در کل،یادداشت های نیما ،پراکندگی دارند..نیما از نامه نگاری با دوستان گرفته تا پاسخ مخالفان خودش و خاطرات شخصی را بی نصیب نمی گذارد. و این رسیدن به چارچوب نظری اورا مشکل می کند

۲ ـ معتقدم می شود افسانه را مبنای انقلاب نیمایی گرفت و بیشترین دفاع من ،نه معطوف به شعر افسانه،«که بسیار بهترش را سروده است»بلکه پیش درآمدی ست که نیما بر آن شعر می نویسد و نیما را به عنوان فردی آماده و لبریز نظریه پردازی معرفی می کند..آنجا اشاره می کند که ساختمان افسانه،یک طرز مکالمه ی طبیعی و آزاد را نشان می دهد و اعلام می کند که قصدش آزادسازی زبان از ناچاری و کم وسعتی ست..هرچند نیما هرگز نتواست آرمان شهر خود را در میان تجربیات خوب و بدش پیاده کند،اما از نظریات و شمای نظری نیما ،بعدی ها بسیار استفاده کردند..

۳ ـ در دو دهه ابتدایی بعد از افسانه،به چند نفر بر می خوریم که مثل نیما قصد فروپاشی نظام سنتی شعر فارسی و بناکردن سازه های نوین شعری داشتند.اما...در ابتدا میرزاده ی عشقی را می بینیم که در واقع ویژگی های نو کردن شعر فارسی را داشت،و در چند تجربه مانند سه تابلوی مریم و نوروزی نامه ،این رویکرد را نشان داده بود. اما جوانمرگی و در اصل کشته شدنش،مانع تکامل این نو آوری شد...در دهه ی دوم ،محمد مقدم و تندرکیا و کمی بعد شین پرتو وارد می شوند..این سه نفر به نوبه ی خود، مسلط از تحصیل در دو نقطه ی جهان برمی گردند..مقدم از آمریکا و دو نفر بعدی از فرانسه...اما چرا این جمع سه نفره به اندازه ی نیما تثبیت نمی شوند؟

٤ ـ نیما به نامه نگاری و مکاتبه بسیار علاقه داشته و به هر بهانه ای نظراتش را در هر باب بیان می کند..نیما می دانست چه دور نمایی دارد و چه می خواهد کند..از میان این سه نفر نیما با شین پرتو بیشترین مکاتبه را داشت و در نهایت هم می توانیم بگوییم نیما ،شین پرتو را تایید می کند..محمد مقدم اما سه مجموعه شعر چاپ می کند و تقریبا ده سال در جریان شعری حضور دارد و به اعتقاد انتقاد بعضی نگاهش به شعر جنبه ی تفننی داشته است..تندر کیا اما جدی تر از آن دو به نیما می تازد و تا سالها بعد از مرگ نیما ،به لجاجت خود ادامه داد..او دشمنان بیشتری داشت و...یکی از دلایل ماندگاری نیما،همین است..او به تندی این سه نفر،به خصوص تندر کیا ،با جماعت سنتی و نو مواجه نمی شود.. تندر کیا یا همان شاهین ،هم سنتی سراها را به باد ناسزا می گیرد هم نیما را ..گرایش اورا در فرهنگ و هنر..که بعد از مرگ نیما چاپ شد در مطلبی با نام«مرحوم نیما یوشیج چکاره بود»مواضع هیجانی خود را ادامه می دهد...اما نیما از جماعتی که خانلری و فروزانفر در آن هستند تا هدایت داستان نویس،تا میرزاده و شین پرتو و ..همه را به گفت و گو دعوت می کند و آگاهانه و جسور جریان نوین شعر خودرا تا رسیدن به نسل بعدی که شیبانی و شاملو و اخوان و...باشند،مدیریت می کند...این چند نفر یعنی مقدم و تندر کیا و شین پرتو..پیگیر و دامنه دار به شعر خود نمی پردازند..حتی بعدتر که هوشنگ ایرانی می آید ،مدت زمان کمی در حد همان خروس جنگی و چند مجموعه ی پشت سر هم حضور دارد..اما نیما با نسل تازه نفس بعد از خود ارتباطش را حفظ می کند و همیشه چیزهایی برای آموختن به آنها دارد..از خاطرات شیبانی و شاملو می شود فهمید..

۵ ـ اما بعد از نیما سهم آن چند نفر که در عین حالی که شعرهای در خوری دارند،اما ناتوان در تئوریزه کردن شعرشان بودند،حفظ می شود. شعر دیگری ها و موج نویی ها همیشه ارجاع به این چند نفر را فراموش نمی کنند..مثلا در دو شماره ای که جنگ دیگر به چاپ رسید در شماره ی اول دو شعر از تندر کیا و هوشنگ ایرانی چاپ می شود..این سالها شعر هوشنگ ایرانی را با عنوان شعر متفاوط می نامند و پیروانی هم دارد..تندرکیا هم با آن...نثم..که ترکیب و تخفیف نظم ونثر بود همچنین...به هر حال نیما ثباتش را اول از خود سپس از شاگردان خلفش دارد و این چیز کمی نیست..حال نیما را محافظه کار بگویند یا رادیکال..

(چیزی مقدمتاً درباره‌ی رسیدنِ شعرِ فارسی به شعرِ نیما یوشیج)

نیما و شعر فارسی

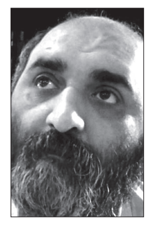

حبیب موسوی بی بالانی – «این شعرهای آزاد؛ آرام و شمرده، و با رعایتِ نقطه گذاری و به حالِ طبیعی خوانده می‌شوند. همان‌طور که یک قطعهٔ نثر را می‌خوانند. »این فکر می‌کنم مخلصِ کلام نیما یوشیج است برای این که چرا شعرِ نو (یا به قولِ خودش « شعرِ آزاد ») را پایه گذاری کرد، برای رسیدن به لحنی که دیگر مطیع قیودِ مشخص و معینِ شعری نباشد. لحنی که به قولِ خودش « دکلاماسیونِ طبیعی‌ی زبان » را اجرا کند.خیلی شنیده‌ام، و لابد شنیده‌اید که گفته می‌شود شرایطِ دوره‌ی نیما ناگزیر از رسیدن به تحولی بود که نیما پایه گذاری کرد، که شاید بتوانیم این‌طور ترجمه‌اش کنیم: نیما حاصلِ جبرِ تاریخی‌ست. یا درواقع: اگر نیما نبود لابد یکی دیگر پیدا می‌شد، به این دلیل که شعر چاره‌ای جز رسیدن به تحولِ اساسی که نیما در آن ایجاد کرد نداشت. در واقع من هم قبول دارم، شعرِ فارسی به بن‌بست‌هایی اساسی رسیده بود، اما در چه سمت‌هایی؟ معلوم نیست چرا کم‌تر پرداخته می‌شود به این موضوع که این جبرِ تاریخی از کدام سمت‌ها رُخ نمون بود؟ و چه بن‌بست‌هایی را ایجاد کرده بود؟ بیشترِ وقت‌ها جوابِ این سوال را سهل‌گیرانه این می‌دهند که « اوضاعِ اجتماعی‌ی ایران »، و در توضیح اشاره‌ای به آغاز مدرنیته می‌کنند، اما من کم‌تر دیده‌ام که جایی، کسی بیاید و ربطِ این دو موضوع را (شعر و اوضاع اجتماعی) نشان دهد، بیشتر به ذکرِ « عنوان » پرداخته شده و رد شده‌اند.البته نشان دادن این مقال و معنا نه در تخصصِ من است نه در مجالِ یک یادداشتِ ژورنالیستی، من این‌جا فقط سعی می‌کنم خلاصه‌ای از گمانِ خودم را درباره‌ی این که چرا شعرِ فارسی منجر به شاعری مثلِ نیما، یا در واقع به نوعی شعر که خودِ نیما نامِ آن را « شعرِ آزاد » گذاشته بود بیان کنم.

در دهه‌های قبل از نهضتِ مشروطه، همان سال‌های شعرِ بازگشت و نفیِ شدیدِ شعرِ هندی و مخالفت و اختلاف با موضوع کردن و ساختِ مضمون از مسائلِ ساده و آن طور که می‌گفتند « لَغْوْ و لَهْوْ »، شعر از هر دو منظرِ شماتیک و تماتیک از شئوناتِ دیگرِ اجتماعی عقب مانده بود، همچنان تم‌های سنتی‌ی یار و دلبر و اندرزِ اخلاقی اصل بود، و همچنان قرینگی (بیت محوری) همه‌ی حرف را در شکل و قالب می‌زد. واقعیت این است که دیگر پدیده‌هایی مثلِ عکاسی (یا طوری که آن موقع بعضی می‌گفتند پیکره اندازی) و تلگراف، تبدیل به پدیده‌های اجتماعی شده بود. سفرهای اروپا پیش می‌آمد و دیگر فرنگ آن سرزمینِ موهوم و مبهم نبود، می‌شد دیگر در اندک زمانی اطلاع رسانی کرد و خبر گرفت، و البته دردوره‌ی مشروطه یکی از وزارت‌های مهم « پست و تلگراف » بود. عکس هم دیگر موفق شده بود عدمِ قرینگی در ثبتِ تصویر را نشان دهد، یعنی دنیا دیگر آن قرینگی‌ی دوبُعدی را نداشت. (اگر چه در دوره‌ی صفویه نقاشانی مثلِ محمدزمان و رضا عباسی پرسپکتیو را شناخته بودند و اجرا می‌کردند.) با شروعِ نهضتِ مشروطه و فراگیری‌ی پدیده‌ای مثلِ روزنامه، دیگر بی‌بنیگی‌ی نوعِ شعرِ فارسی که رایج بود، برای همراهی‌ی اجتماعی چنان آشکار بود، که خودِ شاعران چاره‌ای جز فرو ریختنِ کاخِ بیت و مصرع نمی‌دیدند. اما مسئله‌ی سنت شعری هم درمیان بود، و البته پذیرشِ اجتماعی. نتیجه این شد که تم و موضوع در شعر عوض شد، اما قوالب همچنان همان ماندند. نسیم شمال درباره‌ی گرانی‌ی نان، و پیدا نشدنِ تربچه شعر می‌گفت، اما در قالبِ مُسَمَّط؛ فرخی‌ی یزدی فریادِ انقلابی‌گری و آزادی خواهی سر می‌داد، اما در قالب غزل، ایرج میرزا به انتقاد از اخلاقِ ایرانی شعر می‌گفت اما مثنوی، و عارفِ قزوینی ناله‌های اجتماعی را به چیزی جز تصنیف‌هایی که در قالب بحرِ طویل می‌نمودند (اگر بتوان بحرِ طویل خواندشان) تبدیل نمی‌کرد. میرزاده‌ی عشقی هم که نمایش‌نامه می‌نوشت فراری از ترکیب بند نداشت. و می‌توان دید که در تمام شعرِ این شاعران (اگر چه در بعضی موارد مثلِ ایرج میرزا سلامتِ زبانی بیداد می‌کرد) چیزی دارد از قالب بیرون می‌زند. انگار شکل خیلی گنجایشِ موضوع را نداشت. تلاش‌های تقی رفعت و شمسِ کسما و دیگرانی هم در هم‌راهی‌شان یا هنوز خیلی پخته نبود، یا چندان انقلابی نبود که بتواند پا به پای انقلابِ فرهنگی که با شروعِ مشروطیت آغاز شده بود، پیش برود. می‌توان این‌طور گفت البته که تحلیلی علمی شاید پشتِ آن تلاش‌های فوق‌الذکر نبود، و فقط ذوق و شنیده درباره‌ی شعرِ فرنگی بود که این جرقه‌ها را ایجاد می‌کرد، اما به نتیجه نمی‌رساند. منِ البته خودم با این نوع گفتار هم‌راهی ندارم. من بیشتر فکر می‌کنم درست که گفتمان عوض شده بود، اما عوض شدنِ گفتمان به تجربه و آزمون و خطا احتیاج دارد که بتواند فرمِ نوشتاری‌ی خودش را هم پیدا کند. کما این که در بسیاری از جریاناتِ بعد از نیما، همین موضوع که فرم را قبل از تم خواستند تغییر دهند و فرم‌های جدید تولید کردند که تم‌های جدید پیدا شود، معمولا شکست خوردگی و خستگی‌اش ماند. باز تکرار می‌کنم سنتِ شعر در زبانِ فارسی سنتی ریشه دار است، تا حدی که نثر هم در نوشته‌های پیش از مشروطه (چه در نثرِ کهن و چه قاجار) درگیرِ نوعی رمانتیسمِ مُسَجَّع بود، در عالی‌ترین و خواندنی‌ترین حالاتش هم امروز می‌بینیم که اگر نویسنده‌اش امروز آن را نوشته بود، نه به عنوانِ قطعه‌ای از یک نثر؛ که به عنوانِ قطعه شعری مدرن بیرون می‌داد. بیشترِ قطعاتِ نثری‌ی درخورِ آن دوره (از کهن تا قبل از مشروطه) درگیرِ زیبایی‌شناسی‌ی قرینه دار و مُقَفّا بودند، و اولویتِ نثر در آوا با سجع بود، که آن هم در یکی مثلِ خواجه نصیرِ طوسی، در رباعی گونگی و در یکی مثلِ سعدی در پراکندگی‌ی منظم در قطعه، وضعیت را شاعرانه نگه می‌داشتند. مَخلص کلام این که وقتی نثر چنین درگیری‌ای با زیبایی شناسی‌ی موزون و مُقَفّایی داشت دیگر چه رسد به شعر که اساسش با سفارش‌های « المعجم فی معاییر الاشعار العجم » محکم هم شده بود و نسیم‌های تغییر به کندن و شکستنش که هیچ، به فروکاستن از شاخه‌هایش هم توانایی نداشتند تا بتوان در محیطِ آزاد شده از سایه‌سارش انواعِ دیگری از ادبیات را پروراند. و البته طوفانی لازم بود که نهضتِ مشروطه و هجومِ فرصت‌ها و ابزارِ مدرنیته این مجال را فراهم کرد.

اما همان‌طور که گفتیم خودِ شاعرانِ مشروطه پای از تغییر در تم فراتر نگذاشتند، آن‌ها هم که خواستند پیشروی کنند یا مثلِ تقی رفعت و شمسِ کسما خیلی ملایم بودند، یا مثلِ تندر کیا خیلی تند و غیر قابلِ درک. درواقع این‌طور می‌توانم بگویم که نیما در بزنگاه درستی واردِ مدرسه‌ی فرانسوی‌ها شد و با فرم‌های آزادِ شعرِ فرانسوی آشنا شد. در حین حال متوجهِ چیز مهمی شد، که شاعرانِ مشروطه با تمام انقلابی‌گری در فرمِ اجتماعی متوجهِ آن نشده بودند. این که قرینگی بزرگ‌ترین مانعِ تغییرِ وضعیتِ شعر است.البته پیش از نیما یکی مثلِ فتحعلی آخوندزاده؛ گیری اساسی به مسئله‌ی سجع در نثر فارسی داده بود و گفته بود تا وقتی نثرِ فارسی مُسَجَّع است، امکانِ ایجادِ دیالوگ در نوشته و به تبعِ آن در فرهنگ نیست. البته او داشت به دلیلِ پایداری در استبداد اشاره می‌کرد، اما می‌توان تمثیلِ نثرِ مُسَجَّع را در فرمِ شعر هم پیدا کرد، تا وقتی اساسِ زیبایی شناسی بر قرینگی باشد و آهنگ در قرینگی به گوشِ زیبا بیاید (چه در وزن که موسیقی‌ی درونی بود و اساسش شمارشِ هجاها بود و نوعی زیبایی‌شناسی‌ی ریاضی‌وار و مهندسی شده را می‌طلبید، چه در قافیه که موسیقی‌کناری بود و تاکیدِ قرینگی و جدایی‌ی آوایی‌ی بیت‌ها را با هم داشت) نمی‌توان انتظار داشتِ پیشرفتی در موضوع و موضع شعر ایجاد شود، کما این که بعد از مکتبِ هندی که سعی شد موضوع از دربار خارج شود و به دلِ توده وارد شود با سدی به نام مکتبِ بازگشت مواجه شد، و چه بسا اگر نیمایی ظاهر نمی‌شد، شعر در سطح مانده و بی‌خیال و فارغ از مفهومی مثلِ عمق در مشروطه، که البتهٔ درونش شاعرانی مثلِ نسیم شمال هم بودند که خیلی شاعر به حساب نمی‌آمدند، و بیشتر حرف‌هایشان را موزون و مُقَفّا می‌نوشتند، و می‌توانستند بهانه‌ی خوبی به دستِ مخالفان بدهند، یک دوره‌ی بازگشتِ دیگر ساخته می‌شد.

مسئله این است که نیما متوجه دو موضوع اساسی شده بود، یکی این که باید به طبیعتِ فارسی برگردد، بنابراین باید از شکلِ بیت فرار کند، و به چیزی مثلِ « سطر » برسد که خودش بعدها نوشت « جمله‌ی شاعرانه »، و دوم این که متوجه شد برای به هم زدنِ شعرِ فارسی و ایجاد پیشنهاداتِ تماتیک و شماتیک جدید به شعرِ فارسی نباید یکسره از سنت شعرِ فارسی کنده شود، کما این که عروض را نگه داشت، در افاعیل شعر گفت، و در تندروانه‌ترین عملی که با عروض کرد، در دو سه شعر از دو « بحر » استفاده کرد. و البته کارِ مهم‌ترش این که قافیه را دیگر تنها برای جداکردنِ سطر (بیت) به کار نبرد، بلکه جوری که خودش می‌گفت قافیه را تبدیل کرد به « زنگِ مطلب ».

این شاید هوشِ نیما بود که فهمید چه مقداری از تغییر برای شروعِ تغییر در فرمِ شعر لازم است. تم شعر را که گفتیم در دوره‌ی مشروطه پیش‌روی کرده بود و چیزهای روزمره تبدیل به موضوع و مضمون شده بودند. در واقع از منظرِ تم نیما تا حدی از دوره مشروطه عقب‌نشینی هم کرده بود. این که می‌گویند نیما در موضوع هم چیزهای به شعر اضافه کرد، در مثال‌هایشان معمولا در این حد می‌مانند که کلماتِ محلی را در شعر تبدیل به اسطوره کرده، که البته این هم مستحضرید که خیلی مسئله‌ی تم نیست، بلکه بیشتر مسئله‌اش فرم است.

این مسئله را هم نباید فراموش کنیم: نیما به اهمیت محاکات و نمایش هم در شعر پی برد. و البته جا به جا اشاره می‌کند. حتا در اولین قدم‌های انقلابِ شاعرانه‌اش؛ یعنی منظومه‌ی « افسانه »، اسم قالب را می‌گذارد « نمایش » و این نشان می‌دهد که نیما تا چه حد متوجهٔ شده بود که دیدن چقدر مهم است (دیدنِ روایت). فکر می‌کنم این مسئله‌ی دیدن هم بی تاثیر نبوده در این که گرافیکِ شعر را دیگرگونه کرده. دیگر ما با کاغذی مرتب مواجه نیستیم که دو ستونِ نوشته دو طرفش را پُر کرده‌اند، کاغذ دیگر فضای خالی برای ارائه‌های بازی‌گوشانه‌ی تقطیع هم دارد، پلکانی نویسی، زیرِ هم نویسی، مقابل نویسی و ....

اشاره کردیم که شعرِ فارسی به واسطه‌ی قرینگی و تسلطِ شکلی‌ی بیت، سطرهای مستقل (بیت‌ها) داشت. درواقع پیشنهادِ گرافیکی‌ی نیماست که این استقلالِ مطلق (در واقع این سیطره‌ی مطلق) را از بیت می‌گیرد، مفاهیمِ جدیدِ قطعه‌بندی پیش می‌آورد، مفاهیمی مثلِ جمله، پاراگراف و صفحه. اگرچه خودِ نیما به اصطلاحِ « قطعه » علاقه داشت، و خیلی علاقه‌ی بی‌ربطی نبود، چرا که در آن موقع شاید برای گریز از دیکتاتوری‌ی مفاهیمی مثلِ « بیت » باید به مفاهیمی مثلِ « قطعه » و « اثر » شیفت کرد. اما امروز متوجه هستیم که همین شکل از تبدیل هم این فرصت را پیش می‌آورد که شعرِ نیما یوشیج هم به شدت و سرعت استعدادِ کلاسیک شدن را پیدا کند، کما این که شعرش کلاسیک هم شد.

ولی چه چاره‌ای بود؟ این چیزها را امروز ما می‌گوییم. اگر نیما همین بیت را به سطر و قالب را به قطعه تبدیل نکرده بود، ما از کجا قرار بود همین ایرادِ کلاسیک شدن را به شعرِ خودش بگیریم؟ و البته دیگر چه فرصتی پیش می‌آمد که ما به این فکر کنیم که آیا می‌توان شعری نوشت که کلاسیک نباشد؟

نیما، ساده‌نویسی و قضاوتِ زمانه

شاهین شیرزادی

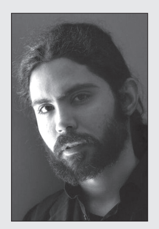

۱. آیا دو گانه‌ی شاعر عوام‌پسند و شاعر جدّی چیزی مختص زمانه‌ی ماست؟ آیا این قول مشهور که «آنچه از دل برآید لاجرم بر دل نشیند» درست است و با این حساب، شاعران کم‌مخاطب امروز، لزوماً راه را اشتباه رفته‌اند؟ قصد داریم، پاسخ‌گفتنِ این پرسش را، سری به نیما بزنیم و پاسخ را از فرزانه‌ی یوش طلب کنیم.۲. «درباره‌ی شعر و شاعری» کتابی است در خورِ آنکه کتاب بالینی هر شاعری باشد. هر شاعر جدی، به سادگی هرچه تمام‌تر، دغدغه‌های امروز خود را در نوشته‌های نیما خواهد یافت؛ و گذر سالیان از نگارش این کتاب، کمک می‌کند تا به کمک آن، از حال و هوای امروز شعر، قضاوتی بهتر یافت. پرسش امروز ما را، می‌توان در گلایه‌های نیما از فهم ناشدن شعر خوب و جدی، سراغ کرد. حال آنکه چه بسیارند معاصران او که راه گوش مردم را در همان زمان می‌شناخته‌اند. کافی است ناقوس نیما را به صدا درآورد و همراه او، زمزمه کرد: «دینگ! دانگ! / –چه صداست؟/ – ناقوس!/ –کی مرده؟ کی بجاست؟» شاعران مردمی و پرمخاطب آن روز، مُرده و نیمای بی‌مخاطب، هنوز به‌جاست.

۳. «جان من. همشهری‌های من و شما، زیاد تنبل و خوش‌نشین شده‌اند. لقمه‌ی جویده می‌خواهند... می‌گویند شعر باید فوراً فهمیده شود» (درباره‌ی شعر و شاعری: ص ۳۹). راستی چرا شعر خوب، فهمیده نمی‌شود؟ اصلاً چرا باید طوری سخن گفت که مردم نفهمند؟ پس شاعر برای چه کسی می‌نویسد؟ از دید نیما، پویایی و حرکت، طبیعت شعر است. شعر قرار نیست متوقف شود. اما مردم، معمولاً نمی‌توانند آهنگ گام‌زدنِ خود را با سرعتِ پیشروی شعر تنظیم کنند. مردم، همیشه نیاز به فرصت بیشتری دارند. «همیشه شاعرِ درست و حسابی، چیزی از زمان جلوتر است و مردم که به کارهای دیگر مشغولند در این خصوص چیزی از زمان عقب‌ترند. شاعر، جلو می‌رود و مردم لنگان‌لنگان می‌آیند. به کمک هم درمی‌یابند و راه را پرسیده، به سرمنزل او می‌آیند. وقتی که او نیست و چند نسل گذشته است» (همان: ص ۴۰). گذر زمان، دشوار را به آسان تبدیل خواهد کرد؛ اما همواره شعر خوبِ هر عصر را تنها خواص آن عصر می‌فهمند: «نمی‌توان منکر بود امروز شعر آسان، شعر هومر، فردوسی و بوستان سعدی است. دیروز شعر مشکل بود... امروز شعر و فرق ندارد هنر، برای خواص است (در مرحله‌ی اعلای خود). این قسم هنر مشکل است. پیش از انس و عادت به طرز کار برای عموم مردم و برای کسانی تنبل، که نمی‌خواهند به خود زحمت فعالیت دماغی بدهند، فهم این قبیل اشعار مشکل است. اما فهم این نکته آسان است که تکاملِ ذوق و فکرِ انسانی را احمقانه است انکار کردن» (همان: ص ۳۲). ۴. از دیدِ نیما، قضاوت فرد فردِ مردم هرگز نمی‌تواند راه کمال را نشان دهد. باید زمان بگذرد، باید عموم مردم به کمک هم و به تدریج، با نوعی از شعر خو بگیرند؛ آن وقت می‌توان امید داشت که سره را از ناسره تشخیص دهند. «شما را زمان به وجود آورده است و لازم است که زمان شما را بشناسد... نظر هیچ فردی برای هیچ فرد معنی درست و حسابی نمی‌دهد. مگر نظر فردی که حاصل نظر زمان است و در آن خیلی از خلایق آمده و رفته‌اند... رنگ شراب را باید موقعی دید که ته‌نشین کرده و دُرد انداخته باشد» (همان: ۴۸) «تنها منتقد حقیقی زمان است: گفته بودم قضاوت فرد فردِ مردم پاکیزه و درست نیست، بلکه قضاوتِ زمان لازم است». (همان: ص ۶۰).

۵. سلیقه‌ی عموم، همیشه شاعران جدی را آزرده است. اینکه مردم، همیشه نسخه‌ی بدلی را به جای اصل گرفته‌اند؛ به دنبال لقمه‌ی راحت گشته‌اند و شعر آسان‌فهم‌تر را شعر بهتر پنداشته‌اند. این مسیر، همیشه مسیری وسوسه‌کننده بوده است. اما شاعر جدی می‌داند که یافتن راه گوش مردم، پیش از رسیدن به کمال، بزرگترین خطری است که هرشاعری را تهدید می‌کند. «انگورهای غوره نشده بسیار است. خطری بالاتر از این برای هنر نیست که آدم کار نکند و به هوش خود اطمینان کرده، نداند. مسأله‌ی کار، مسأله‌ی خرد شدن استخوان است» (همان: ص ۴۶). همین است که توصیه می‌کند: «بهترین کمک و رفیق شما، کار است. روزی خواهید دید که به شما آواز می دهد: اگر می توانی از خانه بیرون برو. زیرا او همه ی دنیا و همه ی کسان آن را برای شما در خانه ی شما جمع کرده است (همان: ص ۴۹)»

۶. زیبایی‌شناسی عوام، همواره به دنبال زیبایی شناسی خواص آمده است. این دو پیکره اند که هر یک دیگری را تغذیه می کنند؛ آنچه را خواص هر دوره بپسندند و شرح کنند، در طول نسل ها به قضاوت عمومی بدل می گردد و آنچه در طول نسل ها، به قضاوت عمومی بدل شود، مفروضات خواص نسل بعد را می سازد. «درباره‌ی شعر و شاعری» به ما می آموزد که شعر ساده و شعر دشوار، دوگانه ای کذب است. مسئله تنها بر سرِ زمان است و بس.

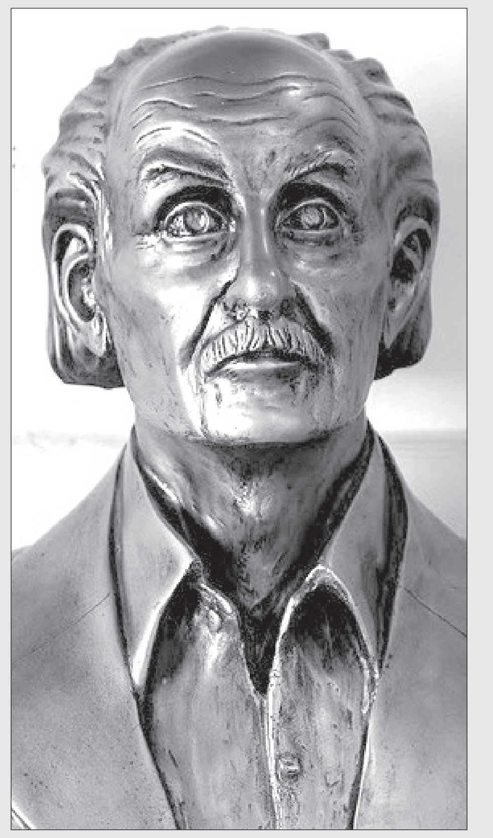

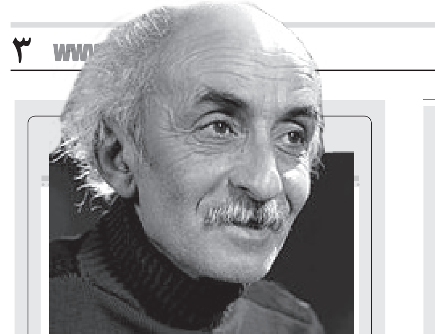

صدای داورک

شعله مدحتی

.از آن نازک خیال زود رنج
؛نیمایوشیج
نزدیک شد رسیدن مرغ
شکسته‌پر
هی پهن می کند پر و هی
می زند به در
زین‌حبسگاه
آواز می دهد به همه خفتگان ما
در کارگاه روشن فکر جوان ما
بیدار می کند همه شور نهان ما...
دیماه ۱۳۱۹

اینکه در بیش از یکصد و بیست و یک سال پیش در آبانماه ۱۲۷۴ خورشیدی در یوش بلده زاده شده است و پس از ۶۴ سال در زمستان ۱۳۳۸ بدرود حیات گفته است را همه ی آنان که دلمشغولی شان شعر پارسی است می دانند .هم اینکه چه چیز این کوهستانی مرد ریز اندام سربزرگ ،کم حوصله ودل نازک

را به «پدر شعر نو «بدل کرد کم وبیش در کتابهای تاریخ ادبیات و نقد آثارش آمده است. نیما با شعر بلند افسانه رسمی نو در شعر زمان خود و پس از آن تا به امروز و تا سالها پس از این ،بنا نهاد :

رو،فسانه!که اینها فریب است
دل ز وصل و خوشی بی نصیب است
دیدن و سوزش و شادمانی
چه خیالی و وهمی عجیب است.....

افسانه ی نیما مانیفست شعر نیمایی است به گفته ی خوداو در مقدمه ی نخستین چاپ آن «این ساختمان که افسانه ی من در آن جای گرفته است و یک مکالمه ی طبیعی و آزاد را نشان می دهد،شاید برای دفعه اول پسندیده ی تو نباشد ...» اما براستی چنان مورد پسند شاعران آن دوران قرار میگیرد که بسیاری به آن روی می آورند و ظهور شاعران سبک نیمایی در حقیقت نشان از پسندیده شدن ساختمان شعری تازه ای است که همان مرد نازک خیال زود رنج بنا نهاد.

شاعرانی که پای در راه و رسم نیما گذاشته اند خود ،خالق برخی از ماندگار ترین آثار شعر نو پارسی هستند .دامنه تاثیر گذاری و

مانایی این ساختمان نو از احمد شاملو تا شهریار را در خود جای داده است.

جهان در چشم نیما ،جهانی است پر از درد و داغ و نامرادی .بی بار و برگ و خشک ....

خشک آمد کشتگاه من
در جوار کشت همسایه
گرچه می گویند:می گریند روی ساحل نزدیکسوگواران در میان سوگواران....

آنگونه که از یادداشتهای روزانه ی نیما می توان دریافت او دلخوش نبوده است و بر این دل ناخوشی بایست دل‌نگرانی و پریشان خیالی را نیز افزوددر جایی از این یادداشتها این پریشانی بخوبی هویداست :

«بعد از مرگ من خانه‌ی یوش من خراب میشود سهم جنگل را پسرعموهای من میخورند نه کسی را دارم علاقمند نه مرا فرزندی باشد برومند. من می‌میرم و آثار شلوغ و درهم و برهم من می‌ماند و از بین می‌رود. به من زمان زندگی من کمک نکرد که بتوانم با آرامش کارم را بکنم.»

با اینهمه اما امیدوار و منتظر بوده است .در انتظار روزی که در پس آن همه بی برگی و بی حاصلی قاصد روزان ابری باز آید:

ترا من چشم در راهم،شباهنگام
که می گیرند در شاخ «تلاجن»سایه ها رنگ سیاهی

دعوت به همکاری

شرکت «آداک تجارت آسیا» جهت تکمیل کادر ارسال خود در استان گلستان از تعدادی راننده با خودروی وانت پراید با حقوق و مزایای ویژه دعوت به همکاری می نماید.

۰۹۰۱۷۷۸۱۶۱۹
۰۲۱ـ۴۴۶۱۴۰۱۰ (داخلی ۸۰۱)